

محمد اکرام اندیشمند

02-07-2011

بن دوم و چشم انداز ثبات در افغانستان

دولت افغانستان و شماری از کشور های حامی و در گیر از تدویر اجلاس بزرگ در شهر بن آلمان سخن می گویند. این مجلس در واقع بدنبال اولین مجلس بن در رابطه به افغانستان است که ده سال پیش به شکل گیری دولت فعلی افغانستان بریاست حامد کرزی جانشن حکومت طالبان شد . به نظر میرسد که مجلس بن دوم در اواخر سال روان مسیحی (دسمبر 2011) با مساعی و مشارکت فعال جمهوری فدرالی آلمان بر گزار شود .

حضور طالبان در بن دوم :

یکی از نکات قابل پرسش در بن دوم به حضور طالبان بر میگردد . آیا طالبان در این مجلس شرکت خواهند کرد ؟ طراحان و علاقمندان بن دوم انگیزه و نیاز این مجلس را به مشارکت طالبان به عنوان یک طرف جنگ در افغانستان عنوان میکنند . عدم حضور طالبان در بن اول گویا از اشتباهات دست اندر کاران بین المللی آن مجلس تلقی میشود که به بیرون ماندن طالبان از قدرت سیاسی و ادامه ی بحران و جنگ انجامید . اما آنها فراموش میکنند که مجلس بن اول نه برای شریک سازی طالبان در دولت ، بل برای سرنگونی دولت آنها تدویر یافته بود . نه تنها این فکر در آن شرایط فروپاشی حکومت طالبان تحت ضربات هوایی امریکا و حملات زمینی جبهه ی مقاومت ضد طالبان غیر عملی بود بلکه مشارکت طالبان در یک نظام کثرت گرا با رعایت برخی از ویژگیهای دموکراسی نامحتمل بود . چون طالبان به ارزشها و معیار های چون تساوی حقوق زن ، انتخابات ، آزادی بیان ، جامعه ی مدنی و . . . دشمنی داشتند .

آیا اکنون آن موانع برطرف شده است ؟ اگر چنین باشد چه کسی از لحاظ ارزشی عقب می نشیند ؟ طالبان ، دولت افغانستان و یا جامعه ی بین المللی حامی این دولت ؟ طالبان دموکرات می شوند و به ارزش های دموکراسی موجود در افغانستان گردن می نهند و یا دولت و نظام سیاسی افغانستان طالبانی و توتالیتر می شود ؟

آلمان ها و پشت پرده ی مذاکره با طالبان :

مجلس بن در 14 قوس 1380 خورشیدی (5 دسمبر 2001 مسیحی) که به تشکیل دولت فعلی افغانستان به حمایت گسترده ی کشورهای غربی

انجامید ، موجب تشویق آلمانها شده است تا با تدویر مجلس مشابه نقش مهمی در ایجاد صلح ایفا کنند . شرکت طالبان در بن دوم و توافقی در جهت صلح نه تنها به اعتبار و نقش آلمان در میان غربی ها می افزاید ، بلکه به بیرون رفتن نیروهای آلمانی از جنگ افغانستان می شود . جنگی که با گذشت هر روز افکار عامه در آلمان به آن مخالفت می ورزد . تحقق چنین نقشی برای آلمانها یک موفقیت مهم شمرده می شود . آیا آلمانها به این موفقیت دست خواهند یافت ؟

آلمانها مدت ها قبل در صدد انجام این نقش بر آمده اند . تأمین روابط با طالبان و مذاکره با برخی از مقامات پایین رتبه ی طالبان تلاش آلمانها در این راستا است . منابع مطلع از سفر و مذاکرات فردی به نام طیب آغا نماینده ی طالبان در داخل آلمان با مقامات آلمانی سخن میگویند . این فرد نماینده ی خاص ملا عمر رهبر طالبان در ماه های اخیر حکومت طالبان در واشنگتن بود . آلمانها بسیار امید وار هستند که در مجلس بن دوم پای طالبان را به مذاکره بکشانند و همسویی آنها را در شکل گیری توافقات جدید در جهت مصالحه و مشارکت در نظام سیاسی افغانستان بگیرند . این در حالی است که طالبان تا کنون از تماس و مذاکره با آلمانها سخن نگفته اند . تشکیل مجلس دوم در بن حقیقت و کذب رابطه و معامله با طالبان را بر ملا خواهد کرد . اما به نظر نمی رسد بن دوم تحریک اسلامی طالبان را بسوی مصالحه و مشارکت در قدرت سیاسی با دولت افغانستان ببرد .

ایالات متحده امریکا و حضور احتمالی طالبان در بن دوم :

هر گونه رابطه و مذاکره میان آلمانها و طالبان و برنامه ی شرکت طالبان در بن دوم به عنوان نتیجه ی این روابط بدور از نگاه و توافق امریکایی ها صورت نمی گیرد . اظهارات رابرت گیتس وزیر دفاع ایالات متحده در کنفرانس امنیتی سینگاپور قبل از سفر اخیرش در اوایل هفته دوم جوزای 1390 به کابل حکایت از این توافق با میانجگیری آلمانها دارد . او در این کنفرانس از مذاکرات احتمالی با طالبان تا پایان سال جاری سخن گفت . این در واقع اشاره به مجلس دوم بن است که تا اواخر سال جاری مسیحی (ماده دسمبر 2011) تشکیل خواهد شد . جالب این است که گیتس در پاسخ به پرسش خبرنگاران از نقش طالبان در آینده ی سیاسی افغانستان نیز سخن زد . با توجه به این اظهارات و با نگاه به همسویی و توافق امریکایی ها در روند رابطه و مذاکره میان آلمانها و طالبان آیا امریکایی ها و طالبان به توافقی در جهت صلح دست خواهند یافت ؟

در حالی که پاسخ این پرسش با گذشت زمان روشن میشود اما به نظر میرسد که امریکایی ها در صدد ایجاد شگاف در صفوف طالبان هستند تا زمینه را برای تضعیف بیشتر آنها مساعد کنند . افزایش فشار نظامی بر طالبان از سوی امریکایی ها راهکار مورد نظر آنها در تضعیف طالبان و عمیق تر شدن این شگاف است . این روند میتواند به تفرقه ی عمیق درونی طالبان بیانجامد و طالبان مخالف صلح را به انزوا بکشاند . از نظر امریکایی ها طالبان

معتدل و موافق به صلح میتوانند در قدرت سیاسی سهیم شوند . ممکن است میکانیزم این شرکت در بن دوم مشخص شود . شرکت در دولت و یا واگذاری حکومت های محلی در برخی ولایات جنوب به طالبان دو گزینه ای است که از نظر امریکایی ها و میانجگران آلمانی مورد توجه قرار می گیرد . آیا بن دوم به این دو دستگی در میان طالبان دامن خواهد زد ؟ آیا برآیند مذاکرات بن دوم سرکوبی طالبان افراطی و همسویی طالبان معتدل با روند صلح خواهد بود ؟

پاکستان و بن دوم :

فرضیه ی شرکت طالبان در بن دوم و توافق احتمالی آنها به صلح در این مجلس بستگی به نقش و نیت پاکستان دارد . برخی از تحلیلگران به این باور هستند که قتل بن لادن توسط امریکایی ها اسلام آباد را تحت فشار گذاشته است تا طالبان را بسوی میز مذاکره در بن بکشانند . حملات رو به گسترش هواپیماهای بدون خلبان امریکایی در مناطق قبایلی پاکستان عامل دیگر فشار بر ژنرالان پاکستانی است تا طالبان را وادار به مذاکرات صلح کنند . حتا اگر پاکستانی ها طالبان را هر چند تحت فشار امریکایی ها وارد مجلس بن سازند ، آنها این معامله را در بدل دسترسی به امتیاز های بیشتری انجام خواهند داد . شاید ده سال حمایت پاکستان از طالبان در برابر نیروهای غربی ، دولت های غرب به خصوص امریکایی ها را متقاعد ساخته باشد که بدون پاکستان نمیتوانند به صلح با طالبان و صلح در افغانستان برسند . هر چند حلقه های مختلف سیاسی در درون و بیرون دولت افغانستان علاقمند اند تا واشنگتن بسوی پاکستان به چشم حامی تروریسم و طالبان ببیند و جنگ را به داخل پاکستان بکشاند ، اما غربی ها به ویژه امریکایی ها و انگلیس ها نقش و اهمیت پاکستان را در مبارزه با تروریسم از زاویه ی منافع خود بیشتر از افغانستان تلقی می کنند . علی رغم قتل بن لادن در عمق خاک پاکستان و حضور او در ایست آباد شهرک نظامی و امنیتی آن کشور ، موقعیت پاکستان در بن دوم بسیار بهتر از حالت آن کشور در بن اول است .

دولت افغانستان و رئیس جمهور کرزی در بن دوم :

موقف رسمی دولت افغانستان حمایت از مجلس بن است . رئیس جمهور و دولت او به بن چشم دوخته اند و امید وار هستند تا به کمک امریکایی ها و اروپایی ها به برادران ناراضی طالبان دست دراز کنند و آنها را شریک کرسی اقتدار بسازند . آیا رئیس جمهور به این آرزو دست خواهد یافت ؟

اگر موقعیت پاکستان در بن دوم بهتر از وضعیت آن کشور در بن اول ارزیابی شود ، موقعیت رئیس جمهور کرزی در نقطه ی مقابل و معکوس آن قرار دارد . کرزی در بن اول با حمایت دنیا و در شرایط شکست و اضمحلال طالبان به کرسی اقتدار تکیه زد . اما او در بن دوم در برابر طالبانی قرار دارد که به

کمک پاکستان دوباره به نیروی نظامی خطر ناک مبدل شده اند . دشواری و چالش در فراروی رئیس جمهور تنها به احیای نیروی نظامی طالبان محدود نمی شود . نارضایتی گسترده در میان جامعه ی قبیلوی جنوب کشور به عنوان بستر اصلی فعالیت و حضور طالبان از بن اول تا بن دوم بخش اصلی دشواری رئیس جمهور کرزی را میسازد . قبایل جنوب و حتی بسیاری از بدنه ی صفوف طالبان و شاید شماری از رهبران و فرماندهان طالبان بسوی حامد کرزی در بن اول به عنوان فردی برخاسته از این قبایل در رهبری و زعامت دولت افغانستان می دیدند که جانشین دولت طالبان میشود . آنها منافع خود را به نحوی در این جانشینی می نگرستند و هر چند با اکراه از آن استقبال و احساس رضایت میکردند . اما ده سال از بن اول تا بن دوم ، جنوب به میدان اصلی جنگ امریکایی ها و نیروهای غربی با طالبان تبدیل شد . هر چند طالبان با کمک و برنامه ی پاکستان به این جنگ بر گشتند و در سایه ی این حمایت دو باره از شکست نظامی به قوت نظامی رسیدند ، اما پیامد های منفی جنگ از تلفات غیر نظامیان تا بردن طالبان به زندانهای امریکایی ها ، پایگاه اجتماعی و قومی رئیس جمهور کرزی را طی این ده سال در جنوب به شدت صدمه زد . تلاش رئیس جمهور در جهت جلوگیری از تلفات غیر نظامی که حتی امریکایی ها را به عنوان نیروی اشغالگر تهدید کرد به جبران این صدمه نیانجامید ؛ علی رغم آنکه پاکستان و طالبان مسئولیت اصلی پیامد های منفی جنگ را در جنوب بدوش می کشیدند . البته سیاست غیر شفاف و نا مؤثر دولت و ریاست جمهوری در این مورد طالبان را در صدمه رساندن به موقعیت اجتماعی و قومی رئیس جمهور کرزی بیشتر کمک کرد . روشن ترین نمونه ی این سیاست ناروشن در آویختن مدال به گردن وزیر دفاع امریکا در سفر اخیرش به کابل بود که پس از مرگ کودکان و زنان در نوزاد هلمند در نتیجه ی بمباران ناتو بوقوع پیوست .

آیا ارمغان بن دوم در افغانستان صلح و ثبات خواهد بود ؟

با توجه به آنچه در مباحث بالا مورد بررسی قرار گرفت این پرسش به بحث و پاسخ درست نیاز دارد که آیا بن دوم راه را برای صلح و ثبات در افغانستان هموار خواهد ساخت ؟

به مشکل میتوان پاسخ مثبت را از لابلای مطالب مورد بحث به این پرسش ارائه کرد . اما نقطه ی قابل اتکاء که موجب تقویت دیدگاه دسترسی به صلح و ثبات در بن دوم می شود به امضای معاهده ی استراتژیک میان دولت ایالات متحده امریکا و افغانستان پیش از بن دوم بر میگردد . اگر قبل از تدویر مجلس بن رئیس جمهور کرزی از طریق تشکیل لویه جرگه تأیید امضای این معاهده را بگیرد ، انگیزه های دخالت همسایگان به خصوص پاکستان و ایران و انگیزه ی جنگ طالبان بسیار کم رنگ و ضعیف می شود . هر چند برخی از تحلیلگران دیدگاه معکوس را در این مورد ارائه میکنند .

امضای معاهده ی راهبردی میان افغانستان و ایالات متحده امریکا که ایجاد پایگاه نظامی دائمی و یا دراز مدت امریکا نقطه اصلی این معاهده را تشکیل

می‌دهد موقعیت و وضعیت حضور نظامی امریکایی‌ها را در افغانستان و رابطه‌ی دولت افغانستان با امریکا را تثبیت می‌کند. علی‌رغم هر گونه حدس و گمانه‌زنی‌ها در این مورد، تثبیت دراز مدت حضور نظامی امریکا در یک معاهده‌ی روشن میان دو طرف اوضاع افغانستان را بسوی ثبات می‌برد. اما گسترش و تحکیم ثبات به کارآیی دولت افغانستان و توان رهبری و مدیریت این دولت در سیاست داخلی و خارجی آن بر می‌گردد. حکومت داری خوب، فساد زدایی، توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی، دیپلوماسی مؤثر و ثمر بخش، حل مشکل با همسایگان به خصوص با پاکستان و اتخاذ سیاست ملی در تمام عرصه‌ها از سوی دولت و رهبری آن مستلزم گسترش و تحکیم بستر و مسیر ثبات است.

اگر بن دوم نقطه‌ی آغاز ثبات در افغانستان باشد، آیا دولت افغانستان و رئیس‌جمهور کرزی در رهبری آن قادر به تحکیم و گسترش این ثبات خواهد شد؟